

# نقش تعلیم و تربیت در پیشرفت حسن تفاهم بین المللی

بقلم : محمد علی دانشور

دارای درجه M. A. از دانشگاه کلمبیا

معلم زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده ادبیات تبریز

برای تعلیم و تربیت تعریفهای بیشماری از طرف علمای این فن شده است. موضوع ساختن آینده طبق نقشه حال که از روی تصویر زیبای کمال مطلوب بشر تنظیم میشود شاید وجه اشتراك غالب این تعریفها باشد. اگر بشر برای زندگی خود هدفی نمیدانست احتیاجی به سیستم های تعلیم و تربیتی پیدا نمیکرد. ولی بشر است و ایدال و آرزو که برای رسیدن بآنها باید از دستگاه های تعلیم و تربیتی استفاده نماید.

تصویر زیبای کمال مطلوب ابتدا با فکر بشر در صحنه خیال نقش می بندد و تصور آنرا آرایش میدهد و صورت پردازی میکند، سپس کاردانی، تدبیر و بیک کلام تعلیم و تربیت آنرا جامه عمل میپوشد.

علوم در حقیقت و واقعیت اشیاء آنطور که هست بحث میکند ولی تعلیم و تربیت وضع فعلی را در نظر گرفته و برای تغییر و اصلاح و تکمیل آن طبق آن نقش زیبای خیال میکوشد. با شناسائی از خاصیت قابل انعطاف قوای انسانی بشر را آنطور تربیت میکند تا بتواند راه رستگاری را در پیش گرفته به سر منزل کامیابی و موفقیت برسد. چراغ هدایت در پیش راه بشر فرا گرفته راه ظلمانی و پیچیده حیات را در پیش پای او روشن میکند، میکوشد تا از آلام و مشقات بشر بکاهد، در تنازع حیات او را نیرو بخشد، و از خطا و اشتباه برکنار داشته بطرف یک زندگی سعادت بخش سوق دهد.

بشر در سیر تکاملی خود برخیلی از مشکلات فائق آمده و بهما استفاده از نیروی علم بسیاری از موانع خوشبختی خود را از پیش پا برداشته است. آن اندازه که بشر اعصار گذشته در خطر تهدید مرض - خشم طبیعت، قحطی، و نادانی بود بشر امروز نیست. راه علاج بسیاری از امراض کشف شده، طرز مبارزه با بسیاری از ناملايمات طبیعت معلوم شده، با استفاده از وسایل سریع حمل و نقل بهر کجا که دچار کمیابی و قحطی شود فوراً خوار و بار از نقاط دیگر فرستاده میشود. با پیشرفت در رشته های مختلف علوم بشر از تاریکی جهل و اسارت خرافات پرستی تا حدی رهائی یافته؛ بر زمین، دریا، و آسمان تسلط پیدا کرده است. ولی با تمام اینها یک خطر بزرگ هنوز در پیش است - کابوس وحشتناک جنگ بشر را رنج میدهد، و این بهشتی را که اینهمه موفقیت برای بشر ممکن بود بوجود آورد بجهنم سوزانی تبدیل کرده است. وحشت و هراس شبانه روزی مجالی برای استفاده از آنچه فراهم شده است نمیدهد. در یک نسیل دوبار بشر با آتش خانمانسوز جنگ رو برو شده در

همین جنگ دوم در حدود پنجاه میلیون نفر از افراد بشر کشته و زخمی و مفقود الاثر شدند. میلیونها کودک بیگناه، جوانان آرزو مند قربانی شدند. هزاران هزار کتابخانه، موزه و آثار باستان با خاک یکسان شد و خاکستر بدبختی، بیچارگی و حرمان بر روی همه نشست و هنوز این دیو خون آشام از تهدید بشر دست بر نداشت. وحشت و هراس جنگ سوم شرق و غرب عالم را در اضطراب شبانه روزی انداخته و راحتی را بر همه حرام کرده است.

**چرا جنگ؟ این فرشته طناز صلح کجا است که دست بشر بآن نمیرسد؟**

در اواخر جنگ بین المللی اخیر، هنگامیکه هنوز آتش خشم و کینه ملت‌های جنگجو زبانه میکشید، متفکرین قوم برای نجات بشر از این هیولای مرگ و نیستی ب فکر چاره افتادند و با انجام مقدمات و تشریفات منشور ملل متحد را بوجود آوردند. بسیاری از کشورها این منشور را پذیرفته و بمنزله سند خوشبختی و آسایش خویش امضا نمودند. سپس اعلامیه حقوق بشر نوشته شد. آنرا نیز با آغوش باز پذیرفتند و هر کشوری با رعایت تشریفات قانونی متداوله خود آنرا صحنه گذاشت بطوریکه این دو سند امروز از اسناد معتبر بین المللی شده است. ولی با تمام فریبندگی عبارات، و صراحت کلمات، و علو معانی بازم بشر مورد تهدید جنگ است. کنفرانسها است که تشکیل میشود، پیمانها است که امضاء میشود، دسته‌ها است که تشکیل میگردد؛ کارخانجات است که شب و روز مهمات مغرب و کوشنده جنگ تهیه میکند. اوضاع چنان مشوش است که داک هامر شولد دبیر کل سازمان ملل متحد طی نطقی که اخیراً در انجمن روزنامه نگاران امریکا ایراد کرد اعتراف نمود که سازمان ملل متحد آنطور که بانیان آن امیدوار بودند در رفع مشکلات جهانی موثر نبوده است!

چرا؟ زیرا هنوز عوامل جنگ که سوء تفاهم، عدم انس و الفت با یکدیگر، و تعصبات نژادی است از بین نرفته. در قبال پیشرفت عظیمیکه در اثر توسعه دایره علوم و فنون در روابط بشر و تأثیر و تأثر کشورها در یکدیگر پیش آمده است، افکار مردم بهمان نسبت با یکدیگر نزدیک نشده و یک شکاف بزرگی در این قسمت دیده میشود.

ایجاد انس و الفت و از بین بردن سوء تفاهمات و تعصبات جاهلانه مستلزم یک سیر طبیعی و گذشت زمان و دوره مخصوص بخود است. پیشرفت علوم و فنون خیلی سریع انجام شده و فرصت ایجاد تفاهم کامل و از بین رفتن تعصباتیکه در تمدنی قرون بوجود آمده است هنوز دست نداده است. پر کردن این شکاف عظیم و انجام این وظیفه مهم در ایجاد حسن تفاهم بین الملل بدون شك نقش اساسی تعلیم و تربیت است. باید جوانان دنیا برای عضویت خانواده بزرگ جهانی تربیت شوند، باید با تعصبات ناروائیکه یادگار قرون وسطی است مبارزه کرد، و روح برادری و همکاری را در همه تقویت نمود.

آنچه در متن منشور روشن سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اساسنامه یونسکو

نوشته شده برای تشکیل همان کمال مطلوب زیبایی بشر کافی است و ما نمیخواهیم فعلاً قدمی از دایره آن اقدامها فراتر نهیم ولی باید طریقی را اندیشید که این اقدامها تحقق پذیرد و از مرحله آرزو بصورت فعل و عمل درآید و ملل واقعاً متحد شوند و حس عضویت خانواده بزرگ جهانی در همه بیدار شود.

### حال به بینیم حسن تفاهم چه وقت برقرار است؟

اگر ما با احساسات، تمنیات، افکار و عواطف و نقطه نظرهای یکدیگر در زندگی آشنا شویم، بعمق روح و افکار یکدیگر پی ببریم باصل تعاون اجتماعی و همکاری و احتیاج متقابل افراد و ملل یکدیگر ایمان آوریم و با داشتن این سوابق آشنائی و انس و الفت الفاظ و کلمات برای گوینده و شنونده يك مفهوم و معنی را مجسم کند آنوقت بطور قطع حسن تفاهم بین همه برقرار است.

قرنها است در روی این کره پهناور زمین ملیونها نفر افرادی که زیست میکنند دور از هم زندگی کرده و دور از هم فرهنگها و تمدنهای متنوع و مختلفی را بوجود آورده اند. هر ملتی در عقب خود تاریخی دارد که هزارها سال در اعماق گذشته فرورفته و در تمدنی قرون زبان، و آداب و رسوم، سنن و مقدساتی برای آن ملت بوجود آورده است. معتقدات و مقدسات و شعور اجتماعی ساخته يك روز و دو روز نیست. هر چه هست محصول هزاران سال کار و مجاهدت، تجربه و عمل، فعل و انفعال اجداد و نیاکان ما بوده که در سرزمینهای مختلف زندگی کرده، با موانع و مشکلات جنگیده، و تاریخی را با تمام اختراعات و شکستها، پستیها و بلندیهای خود بوجود آورده است.

با این ترتیب زبان، آداب و رسوم، سنن و تاریخیهای مختلف از جمله موانعی است که در راه تفاهم بین المللی قرار دارد. تعلیم و تربیت باید در طریق تعدیل این موانع و آماده کردن محیط روابط بین المللی برای ایجاد يك تفاهم کامل بین المللی مورد استفاده قرار گیرد. اینك هر يك از این قسمت‌ها را جداگانه مورد بحث قرار میدهیم:

**مذهب** - تا تاریخ بشر حکایت میکنند همیشه مذهب و آئین بوده است، بشر از درك حقائق و شگفتیهای طبیعت عاجز مانده، در مقابل خشم طبیعت درهراس افتاده و به حکم اصل رابطه علت و معلول، علل و باعلتی برای اینهمه مشهودات و موجودات قائل شده و برای آن علل و باعلت قائل با احترام و تکریم و ستایش شده است. تاریخ گذشته بشر با نام خدایان و مذاهب مختلف آغاز شده و هر چه بطرف زمان معاصر نزدیک میشود از عده خدایان کاسته میشود تا آنجائی که توحید بر پرستش خدایان متعدد غلبه کرده و امروز اکثریت افراد مردم پیرو مذهب یگانه پرستی هستند. در تحت الفاظ مختلف همه خود را بنده يك خدا میدانند. خدائی که قادر متعال است و ما و هر چه در اینعالم است مخلوق او هستیم و همه روی ستایش بدرگاه او میکنیم.

تمام این مذاهب بشر را بحقیقت پرستی و راستی و صلح و صفا و خدمت بخلق دعوت کرده‌اند. غرض اصلی کلیه آنها دعوت بحق و نیکی و منع از ضلالت و گمراهی است. باید اولیای مذاهب و مربیان بشر سعی کنند حقائق عالیّه مذهب را بمردم تعلیم دهند و کوشش نمایند تا الفاظ و عبارات و آداب مختلف مذهبی مردم را از حقیقت و اصول باز ندارد و از همین اصول مقدس مذهبی استفاده کرده راه سلوک و سازش و خدمت بخلق را که از طرف کلیه مذاهب توصیه شده است بمردم نشان دهند. تعصبات جاهلانه علیه مذاهب دیگر را از میان بردارند و مردم را در طریق نوع دوستی و خدمت بخلق سوق دهند. شرح مختصری از سرگذشت پیشوایان بزرگ مذهبی و خدماتیکه در راه نجات بشر از گمراهی و ضلالت انجام داده‌اند باطلاع مردم برسانند و حس احترام عمومی را نسبت باین برگزیدگان خدا و مشعلداران طریق سعادت بشر بیدار نمایند تا مردم احساس کنند همه سالکان راه حقیقتند و بطرف یک منظور عالی پیش میروند اختلافات اساسی و فاحش در میان نیست و میتوان با احترام متقابل و تعاون عمومی با صلح و صفا زندگی کرد و از ثمرات عالیّه آن برخوردار شد.

زبان: زبان وسیله تفهیم و تفاهم است. افکار و منویات ما بکمک الفاظ ظاهر و مفهوم مردم میشود. امروز زبانیکه مفهوم تمام مردم دنیا باشد وجود ندارد و بدون شك یکی از موانع مهم آشنائی افراد و ملل با یکدیگر همین داشتن زبانهای مختلف است حل این مشکل نیز کار آسانی نیست و نمیتوان راه نزدیکی را در رسیدن بمقصود نشان داد تا بزودی این مشکل از پیش راه آشنائی مردم با یکدیگر برداشته شود و مردم بتوانند با آسانی از طریق زبان بافکار یکدیگر پی ببرند و انس و الفت و آشنائی که اساس تفاهم است برقرار شود.

یا باید مردم تمام زبانهای موجود را فراگیرند و یا اینکه از تمام زبانهای موجود یکی را انتخاب کرده و همگی در پی فرا گرفتن آن برآیند در غیر این صورت چه راه دیگری میتوان در نظر گرفت؟ این دو نظر نیز چندان سهل و ممکن الحصول نیست یا اقلاً در مدت کوتاه عمر ما عملی نیست که بتوان بانجام آنها امیدوار بود! پس چاره چیست؟

زبانهاییکه بیشتر متکلم دارد و زنده و متداول است خوشبختانه دوسه زبان بیشتر نیست. باید در ترویج اینگونه زبانها کوشید و در اختلاط زبان و آمیزش کلمات و اقتباس اصطلاحات در زبانها و از زبانهای مختلف نیز بیجهت تعصب نشان نداد و در اختلاط لغات و آمیزش کلمات و اقتباس اصطلاحات زبانهای مختلف بیجهت متعصب نبود. باید در درجه اول توجه داشت که زبان وسیله فهمیدن و فهمانیدن است لاغیر و هرچه این وظیفه را بهتر انجام دهد کاملتر و رساتر و قویتر خواهد بود. بادر نظر گرفتن این فلسفه اساسی میتوان بتدریج زبانها را بهم نزدیک کرد و موجبات تفهیم و تفاهم بین المللی را فراهم نمود و

طریقی را طی کرد تا این سدمهم مشکل زبان از بین برود و بشر از طریق همین زبان و کلمات بعمق افکار یکدیگر پی برده موجبات شناسائی و انس و الفت و بالنتیجه تفاهم بین‌المللی فراهم شود.

**ادبیات:** یکی از مهمترین رشته هنرها ادبیات است. ادبیات انعکاس افکار، احساسات، ایدالها، آرزوها و لطائف ذوقی يك ملت است. آشنائی با ادبیات يك ملت بدون شك یکی از طرق اساسی آشنائی بعمق روح و فکر آن ملت است. باید ادبیات ملل را گلچینی کرد و نمونه هائی از آنها را در ادبیات هر ملت وارد نمود. شکسپیر، فردوسی، هوگو، دانته، تاگور، اقبال، همینگوی، نیومن، ایووت و غیره مخصوص بیک ملت و یک طبقه از مردم نیستند، اینها بدنیا تعلق دارند و دنیا باید از میراث فکری و ذوقی این ستارگان عالم هنر برخوردار شوند. و با استفاده از روشنائی و درخشش آنها تاریکی‌ها را از پیش پا بردارند، حجابهای ظاهری را بیکسو زنند و بافکار و ایدالهای یکدیگر آشنا شوند.

**موسیقی:** ذوقها، محیطها، و افراد مختلف با کلیه اختلافات روحی و دماغی خود موسیقی‌های مختلفی را بوجود آورده‌اند، و با اینکه این موسیقی‌ها محصول همان عوامل مختلف بوده خود اینها نیز با قدرت و نفوذیکه در روح و فکر و احساسات و غرائز بشر دارند از عوامل مهم ایجاد اختلاف و یالا اقل حفظ شکاف روحی بین طبقات و اجتماعات مختلف مردم است. ما اگر از این زبان مهم بین‌المللی که بدون احتیاج بالفاظ و کلمات مستقیماً از روح و احساس بشر سرچشمه گرفته و بروح و احساس سرایت میکند، اذدل برسیم می‌آید و بدل می‌نشیند، استفاده کنیم و بادر اختیار گذاشتن موسیقی‌های مختلف ذوقها را بیکدیگر نزدیک نموده و راه آشنائی احساسات و عواطف بشر را بایکدیگر باز نماییم، بدون شك در طریق ایجاد تفاهم بین‌المللی قدم مهمی برداشته‌ایم که نباید هرگز آنرا از نظر دور داشت.

**آداب و رسوم:** زندگیهای مختلف، آداب و رسوم مختلفی را بوجود آورده است. هر نوع آداب و رسوم محصول يك نوع زندگی و يك نوع محیط و يك نوع تاریخ است با اختلاف زندگیها، محیطها، و تاریخها، ملل دارای آداب و رسوم کاملاً مختلفی شده‌اند که وجود آنها در روابط بین‌المللی گاهی موجب تصادفهای شده و سوء تفاهم‌هایی را بوجود می‌آورد. تسهیل موجبات مسافرت، رفت و آمد افراد بکشورهای مختلف، توسعه کنفرانس‌ها و کمیوننها و مجامع بین‌المللی، تبادل دانشجو و استاد، کنجانیدن نمونه‌های آداب و رسوم ملل مختلف در کتابهای درسی و معرفی آنها از طریق مطبوعات و سینما و غیره از جمله مسائلی است که ممکن است در تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار گیرد.

اگر معلمین دسترسی بنژادها و ملیت‌های مختلف داشته باشند، خوبست ضمن تدریس جغرافیای هر کشور و هر نژاد و هر ملت از وجود بومیهای همان کشور و نژاد و ملت استفاده کرده از ایشان تقاضا کنند کفرانسهائی برای دانش‌آموزان بدهند، و یا اگر در آموزشگاه‌هایی عده‌ای این افراد زیاد باشد انجمن‌های بین‌المللی درست شود و موجبات تماس بیشتر و آزادانه دانشجویان را بیایکدیگر با رعایت کامل اصول تعلیم و تربیت فراهم نمایند، تا جوانها کم‌کم بسا یکدیگر مأنوس و بطرز زندگی و آداب و رسوم یکدیگر آشنا شوند و در اثر اینگونه آشنائیها اساس انس و الفت و تفاهم بین‌المللی گذاشته شود.

در پیشرفت تسهیل موجبات آشنائی با آداب و رسوم ملل میتوان از موزه‌ها، نمایشگاهها، فیلمها، داستانهای محلی نیز استفاده کرد و آنها را در تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار داد.

تاریخ: یکی از موادی که در تعلیم و تربیت میتوان برای تفاهم بین‌المللی مورد استفاده کامل قرار گیرد تاریخ است. در ضمن تاریخ باید بچوانان فهمانید که تمدنهای موجود در دنیا نتیجه فعالیت تمام ملت‌ها و جماعات بوده است. هر ملتی بنوبه خود در ایجاد تمدنهای متمدنی دنیا سهمی دارد و با این ترتیب دل‌های جوانان را آماده قبول محبت تمدنهای مختلف کرد. قهرمانهای کشورهای مختلف را در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های بشری در ضمن کتابهای تاریخ بچوانان معرفی کرد. هر چه مطالب تحقیرآمیز و نفرت‌انگیز نسبت بملل و تمدنهای دیگر هست باید بلادرنگ از متن کتابهای درسی حذف شود. بر گذشت خدمتگذاران بشر را اهل هر مملکت و دارای هر ملیتی که هستند بطرز شایسته‌ای در متن کتابها گنجانید و تأثیری را که آنها در پیشرفت تمدن کلی بشر داشته‌اند روشن نمود. در کشورهایی که ملت خواهی شدید است آنها را تبدیل کرد و بچوانان فهمانید علاوه بر خانه مقدسی که وطن نام دارد خانه بزرگتری نیز وجود دارد که دنیا است. اعضاء این خانواده بزرگ بشری باید رابطه خانوادگی و عشق و دلبستگی کامل نسبت بیکدیگر داشته باشند.

دنیای امروز و تمدن امروز تابع سرحد و فواصل زمان و مکان نیست. کشورها در یکدیگر تأثیرات شدید متقابل دارند و هر یک بسهم خود در ایجاد صلح و آرامش و رفاه و آسایش بشر نقش مهمی را به عهده دارند. تعصبات ناروائیکه در تمدنی قرون بین ملت‌ها نسبت بیکدیگر پیش آمده باید از بین برود و بدون شك یکی از طرق مبارزه تجدید نظر کامل در کتب تاریخ است. تا با حذف مطالب مضر و گنجانیدن مطالب سودمند و موثر در ایجاد محبت و دوستی و تفاهم بین‌المللی از یک طریق موثر دیگر، تعلیم و تربیت نقش اساسی خود را بازی کند و جوانان امروز را که وارث دنیای فردا خواهند بود با عشق و

- ت. محبت نسبت بیکدیگر پرورش دهد و دنیای فردا را دنیای دوستی و تفاهم و همکاری و تعاون بین‌المللی نماید و همه از ثمرات شیرین آن برخوردار شوند.
- ب. بطوریکه ملاحظه شد دامنه تعلیم و تربیت و سمیع و قنوت عمل آن زیاد و جوش آن در ایجاد تفاهم بین‌المللی اساسی است. امید است مریدان نسل بشر در هر کشور و نقطه‌ای از دنیا که باشند متوجه وظائف سنگین و خطیر خود شده و وظائف خود را در این زمینه بنحو شایسته انجام دهند و با ایجاد یک محیط مطمئن تفاهم بین‌المللی صلح و آسایش دنیا را تضمین نمایند.

«پایان» - - -



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

